

آهنگسازان معاصر

« ویلیام والتون »

با اینکه بیش از ۵۰ سال از عمر « سرویلیام والتون » آهنگساز مشهور انگلیسی میگذرد با وجود این بهیچوجه نشانه‌ای که دلیل بر قدیمی شدن وی از رواج افتادن هنرش باشد در او دیده نمیشود؛ برعکس، انسان در اولین برخورد و ملاقات با وی باین نکته پی می‌برد که آهنگسازی بی‌آلایش، خوش‌خلق و مرتب است. حتی بی‌اندازه به لباسهایی که میپوشد اهمیت می‌دهد و از همه مهمتر شخصیتی است که طبعش دقیق و موشکاف و افکارش عالی و پر ارزش میباشند.

این نکته را نمیتوان نادیده گرفت که وی در برخورد با کسانی که آنها را برای اولین بار ملاقات میکند خجول بنظر میرسد. اما آنها که از دیر زمانی به اخلاق و رفتارش آشنا هستند میدانند که این کم‌رومی خیلی کمتر از دوران جوانیش در او بروز میکند و تا آنجا که قدرت دارد سعی میکند با نظریات و تئوری‌های هائی که راجع به هنر و مردم دارد، در مصاحبت با همکارانش خوش صحبت و مجلس‌آرا باشد.

« والتون » نه تنها موسیقی‌دان بزرگ‌کست بلکه نسبت به هنرهای گوناگون دیگر، مخصوصاً راجع به هنرهای بصری عقاید گرانبهایی دارد و بدلیل خوش‌مشرب بودن وی هیچگاه از تعداد بیشمار دوستانی که در دورانهای مختلف زندگی پیدا نموده، کاسته نشده است.

« سرویلیام والتون » تا چند سال پیش بازن آرزانتینی و زیبایش (که در سال



۱۹۴۹ باوی ازدواج کرد) در محیط مناسبی در مرکز لندن میزیست؛ ولی دیری نگذشت که بوی ثابت شد محیطش چنانچه باید بیسروصدا و آرام نیست؛ لذا برای اینکه از شر تلفن‌های بی‌موقع و مزاحمی که در تمام مدت شبانه‌روز از طرف هواخواهان و دوستانش بوی می‌شد، کربخته باشد باتفاق همسرش به جزیره خاموش Ischia که

در نواحی دور از سواحل ناپل میباشد و هم اکنون نیز در آنجا زندگی میکند. « والتون » برخلاف دیگر هم مسلکانش جز آهنگسازی مشغولیت دیگری ندارد. هیچ سازی را بخوبی نمیتواند بنوازد و از نوشتن مقاله‌هایی درباره موسیقی نیز پیوسته شانه خالی میکند. وی در هیچ‌جا تدریس و سخنرانی نمیکند و از بحث در مجامع هنری نیز وحشت دارد.

این آهنگساز با وجود اینکه اجراکننده خوبی برای آثار خودش میباشد، هرگز عادت ندارد آثار دیگر آهنگسازان را رهبری نماید و تا آنجا که ممکنست سعی دارد وقت خود را صرف آفریدن موسیقی تازه بنماید. با وجود این « والتون » آهنگسازی بطنی و با احتیاط بشمار میرود و پیوسته آثارش را بدقت بررسی و از نو مطالعه میکند تا از هرگونه نقصی بری باشد.

می‌توان گفت کمتر آهنگساز معاصری با نوشتن آثار کمی توانسته است چنین شهرت بین‌المللی کسب کند. منظور این نیست که وی دیگر گاه شروع به آهنگسازی نمود؛ زیرا « والتون » هنوز جوان ۲۰ ساله‌ای بود که اولین موفقیت‌های هنری خود را بدست آورد. او با آفریدن اثر مفرح و نشاط‌آورش Facade Entertainment (۱۹۲۲) که از روی مجموعه اشعار « ادیت سیت ول » Edith Sitwell برای آواز و به همراهی هفت ساز تنظیم نموده بوده، نخستین پیروزی را بدست آورد.

لطافت و زیبایی سحرانگیز آهنگهایی که « والتون » بوجود آورده هنوز هم دارای تأثیر عمیق بوده و هیچوقت از اهمیت آن کاسته نشده است.

از موقع تألیف Facade باستانی چند آهنگ کوچک که برای موسیقی فیلم تنظیم نموده در حدود ده اثر بزرگ و مهم دیگر نوشته است که هر کدام به تنهایی از لحاظ کمک به عالم موسیقی دارای اهمیت شایان میباشد.

یکی از مهمترین ساخته‌های « والتون » اوراتوریوی « ضیافت بلشازار » Belshazzar's Feast (۱۹۳۱) میباشد که تاکنون بیش از پنج بار از روی آن صفحه ضبط گردیده و در دنیای موسیقی نوین جای مخصوص بخودی دارد و منقدین آنرا بعنوان يك « کورال » انگلیسی کاملاً مدرن و پرهیجان توصیف مینمایند.

« والتون » متن این اوراتوریورا از روی فصول اولیه انجیل که توسط « اسبرت سیت ول » Osbert Sitwell نوشته شده، انتخاب کرده است.

در سال ۱۹۱۹ هنگامیکه « والتون » در آکسفورد به تحصیلات خود ادامه می‌داد « کاجورل سیت ول » Sacheverell Sitwell را ملاقات نمود و بوسیله او با برادر و خواهرش « اسبرت » و « ادیت » نیز آشنا شد. امروز با اینکه سالها از آن دیدار میگذرد دوستی صمیمانه « والتون » با آن خانواده هنرمند و باقریحه مانند سابق حفظ شده است.

«والتون» در دوران جوانی در خانه «سیتول» ها که در Chelsea بود اقامت
گزید و مدتی با آنها زندگی کرد. نمونه های جالبی از صفات بارز «والتون» جوان
را در بیوگرافی «سراسبرت سیتول» بنام «خنده در اطلاق مجاور» Laughter
in the Next Room میتوان یافت.

خانواده «سیتول» کاملاً ذبیح بود که در مدت کوتاهی قریحه سرشار «والتون»
جوان را درک کند.

از همان دوران اولیه بیشتر آثار «والتون» معروفیت جهانی پیدا نمود. مثلاً
کنسرتو برای ویولا، کنسرتوی ویولون و آنچه اخیراً با تمام رساننده، کنسرتوی
ویولنسل و ارکستر او و سنفونی ۱۹۳۵ (که هنوز بی پایان نرسیده است) از این
جمله هستند.

اپرای «ترویلوس و کرسیدا» Troilus and Cressida نیز تاکنون
در روی صحنه های «کاونت گاردن» لندن و «لاسکالای» میلان و در اپراهای نیویورک
وسان فرانسیسکو ظاهر شده است.

امریکاییها برای آثار «والتون» اهمیت فراوانی قائلند و اجرای این آثار
در امریکا نشانه علاقه و افریست که نصیب کمتر آهنگساز انگلیسی شده است.
در دستور بالا به شخصیت دلپسند و رفتار خونسردانه «والتون» اشاره شد.
نباید این موضوع را به نحوی دیگر استنباط نمود زیرا «والتون» بطور عمد و خود
آگاه، هیجانانگیز شخصی و شدیدش را که در بیشتر آثارش منعکس است از دیده مخفی
نگاه میدارد.

مطمئناً هیچ آهنگساز معاصر انگلیسی نمیتواند چنین هیجان نیرومندی را در
خود پنهان سازد و افشا نکند و یا اینکه قادر باشد احساسات درونی خود را بوسیله
موسیقی، به این نیرومندی و سلطانه جلوه گر سازد.

«والتون» هنرمندی شکیباست. اگر برخی از آثارش عقیم مانده است و یا
آنطور که آرزو دارد از آثارش استقبال بعمل نیامده، با خونسردی قابل ملاحظه ای
میتواند عکس العملی از خود نشان نهد. در حقیقت در عصری که صنعت چاپ توسعه
یافته و اجرای نمایش اغلب هنرها با آسانی میسر است عقیم ماندن بعضی از آثار را
باید نشانه موفقیت آن اثر دانست و این خود قابل ستایش میباشد.

شاید بعلت روان و سلیس نبودن کارهای «والتون» است که با آنچه تاکنون
آفریده نیروی چنان عظیمی می بخشد. بهمین ترتیب این حقیقت را نیز باید قبول
کنیم که «والتون» که در کارهای اولیه اش شخصیت بارز خود را نشان داده و آنرا
کاملاً رضایت بخش جلوه گر نموده است؛ با همان نظریات مخصوص بخود بی هیچ
تردیدی موفقیتهای خود را ادامه داده و ابداً توجهی به سبکهای زودگذری که برخی

از معاصرین او را فریب داده است، نداشته باشد .
در نتیجه باید گفت که موسیقی « والتون » به زمان متکی نیست و آثار استادانه اش
که از ربع قرن پیش تا کنون توجه دنیا را بخود معطوف داشته ، با همان سرعت و با
موفقیت بیشتری ادامه یافته است و درک موسیقی اش مانند آثار اولیه او مشکل
بنظر میرسد .

اگرچه موسیقی « والتون » احساسات درونی و فردی او را بیان میکند اما آثار
او چنان همه جا را فرا گرفته که میتوان گفت بیش از تمام آهنگسازان دوره خود کوشیده
است تا با موسیقی معاصر انگلیس جنبه بین المللی بدهد .

ترجمه عنایت رضائی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

